نبرد با فراموشی

درآمدی بر شناخت اهداف روایتگری جنگ ایران و عراق

محمدصادق درویشی*

با گذشت قریب به سه دهه از پایان جنگ ایران و عراق، روایت‌های برآمده از این واقعه عظیم، روزبه‌روز اهمیتی افزون‌تر می‌یابد. فراوانی توجه‌ات عمومی به موضوع جنگ، به‌طور عینی ما را به‌سوی گزاره‌ای رهنمون می‌کند که نیازی به اثبات ندارد: جنگ هشت‌ساله یکی از نقاط عطف و فراموش‌نشدنی تاریخ ایران است.

روایت به‌عنوان ابزاری برای رجعت مدام به دفاع مقدس و ارزش‌های آن، از روزهای اول پایان جنگ موردتوجه قرار گرفت؛ توجهی که در ابتدا به شیوه‌های غیرسازمانی و خودجوش توسط مردم و رزمندگان صورت پذیرفت. جنگ تمام شده بود، اما ارزش‌های که این واقعه سخت را به دفاع مقدس بدل کرده بود، هنوز جریان داشت؛ ارزش‌هایی که در میان حجم عظیم داغ‌ها و ویرانی‌ها، درکی لطیف و غرورآفرین از دفاع سراسری مردم درمقابل مهاجوز به دست می‌داد. درواقع روایتگری جنگ ایران و عراق در همان سال‌های آغازین پس از جنگ، تلاشی عمومی برای ممانعت از فراموشی ارزش‌هایی بود که به ایران و مردمانش، از موضع اخلاقی، دینی و ملی، برتری بخشیدند.

اهمیت روایت‌های جنگ ایران و عراق از یک مجاسبه منطقی ساده به دست می‌آید: وقتی اخبنام واقعه)هشت سال جنگ(با اشتیاق و فضیلت‌مندی تداوم ارزش‌ها و درونمایه جنگ تلقی می‌یابد، درواقع بخش کالبدی حادثه مانند هر انسانی که

* پژوهشگر جنگ عراق و ایران

می‌دهد و دیگر حضور ندارد، جای به پایان می‌رسد. "روایت" واگویی آن بخش از واقعه است که باقی مانده، درحالی‌که خود حادثه تمام شده است و ازطریق روایت، تمامِ ما از حادثه‌ای که در گذشته حادث شده و به پایان رسیده است، تداوم می‌یابد. به همین دلیل، روایت جنگ ایران و عراق، امروز و در فضای دهه نود جامعه ایران، بار سنگینی بر دوش خود احساس می‌کند. چه آنکه این روایت، تنها مخصور در واگویی آنچه رخ داده است، نیست و تفاوت راوی با مورخ از همین نکته کانونی هویدا می‌شود؛ روایت فراتر از آنچه حادث شده است، به تأنیرگذاری مفاهیم و روح حادثهٔ گذشته در امروز و فردای جامعه ایران می‌اندیشد.

بنا بر اهمیتی که روایت و روایتگری جنگ ایران و عراق دارد، مداقه جدی در عرصه‌های نظری و شیوه‌های عملی با هدف غنای مفهومی و روشی آن ضروری است. یکی از اصلی‌ترین گذرگاه‌های تأمل در امر روایت به‌طور عام و روایتگری جنگ ایران و عراق به‌طور خاص، شناخت، تجزیه و تحلیل اهداف آن است.

حقیقت‌گرایی؛ هم مسیر و هم مقصد

شاید بدیهی به نظر برسد که یکی از الزامات روایتگری جنگ را حقیقت‌گرایی به‌معنای صحت و انطباق با آنچه رخ داده است، بدانیم. اما آیا حقیقت‌گرایی یك هدف هم هست؟ با رجوع به ویژگی‌های فطری می‌توان دریافت که اساساً حقیقت‌گرایی از خواسته‌های درونی انسان است که غایت زیستن او محسوب می‌شود. واقعیت آنچه به وقوع پیوسته، در هر سطحی)کلیات و جزئیات(نه‌تنها از الزامات روایتگری وقایع بزرگی چون جنگ است، از اهداف آن نیز به شمار می‌رود؛ به این دلیل که پاسخی به ویژگی‌های فطری انسانِ حقیقت‌جو است.

جنگ ایران و عراق، دریایی از حوادث، مسائل و داده‌های فرهنگی و هویتی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و... درون خود دارد. اهمیت صحت و سلامت تاریخ جنگ از تحریف، امر مهمی است که از همان زمان جنگ موردتوجه قرار گرفت. اینکه توانی اندیشه‌ورز و عقیدتی از سپاه در هنگامه نبرد‌های سخت نظامی با صلح‌دید فرماندهان ارشد به کار ثبت و ضبط وقایع و حقایق جنگ پرداخت، عینی دغدغه حقیقت‌گرایی در روایت‌های آنی از جنگ در همان زمان نیز وجود داشته است. نقل است شهید خرازی به گروهی از اصحاب رسانه که برای تهیه گزارش به جبهه‌ها رفته بودند گوشزد کرد که "جنگ را درشت ننویسید، درست بنویسید." سخن ساده و بی‌پیرایه فرمانده کور لشکر14 امام حسین(ع)، هنوز هم حامل پیامی مهم است: حقیقت‌گرایی باید در رأس الزامات و اهداف روایت‌های جنگ قرار گیرد.

حقیقت‌گرایی در روایتگری جنگ، هم مسیر است و هم مقصد؛ و هر دو به این بازمی‌گردند که باور عمومی حامل دفاع مقدس و ارزش‌های آن، بر عظمت، شرافت و کمامندی آن است. درواقع با این باور، نگاه خود را به جنگ پالیش قرار می‌کنیم: آیا درمجموع، تجربه دفاع مقدس را برگی زرین در تاریخ ایران می‌دانیم؟ اگر جواب مثبت است، باید در انتقال مفاهیم و روایتگری از هرگونه تحریف و وارونه‌نمایی پرهیز کنیم. این، مسیر انریخشی روایت‌های جنگ بر نسل فعلی و نسل‌های آینده است؛ فراتر از مسیری

که به‌مثابه تاکتیک برای روایتگری است. فراموش نکنیم که حقیقت و حقیقت‌گرایی فضیلتی ذاتی است و اساساً جنگِ ما جنگ برای راستی و صدق بود و طبیعتاً روایت‌های این جنگ نیز نمی‌تواند از صدق و راستی کم‌بهره باشد.

درس‌آموزی و کسب آمادگی برای رویدادهای مشابه

یکی دیگر از اهداف کانونی روایتگری جنگ ایران و عراق، درس‌آموزی از واقعه عظیمی است که ابعاد بسیار گسترده‌ای یافته است. درواقع، جنگ هزینه‌های بسیار زیادی به جسم و روح جامعه ایرانی وارد کرد و در مقابل، سرمایه‌های عظیم به دارایی‌های این ملت افزود. اساساً یکی از مغایره‌های شکل‌گیری ملت‌ها فراتر از مشترکات عینی همچون زبان، قومیت، نژاد و... مؤلفه‌های ذهنی همچون تجربه‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها و تاریخ مشترک است.

دفاع سراسری مردم ایران از اقشار مختلف، امری پیش‌بینی‌نشدنی بود که صدام و متحدانش، به آن توجه نکرده بودند. این دفاع که ظرفیت‌های ایمانی، عقلانی، حماسی و امیدبخشی را به ارمغان آورد، صحنه جنگ را برخلاف آنچه آغازکننده‌های آن می‌خواستند، دگرگون کرد و این تبدیل به اندوخته‌ای گران‌بها برای ملت ایران شده است. به بیان دیگر، ملت ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آزمون جنگ روبه‌رو شد و عیار این ملت به‌واسطه مواجهه پیروزمندانه‌ای که با جنگ داشت، بالا رفت.

حال پرسش اساسی این است که در روایتگری جنگ ایران و عراق، ذهن و ضمیر ما تا چه میزان بر هدف درس‌آموزی آن تجربه عظیم متمرکز شده است؟ به نظر می‌رسد راویتگری برای رسیدن به هدف درس‌آموزی و بهره‌وری از اندوخته‌های معنوی جنگ نیاز دارد درون‌مایه و محتوای آنچه موجب شد دفاع مقدس شکل بگیرد را استخراج کند. با بیانی نمادین می‌توان گفت تجربه، نبش و معنویتی که در جبهه‌های جنگ اتفاق افتاد و اینک بقایای عینی آن قابل‌مشاهده است، ارزش و قیمتی بیشتر و والاتر از منابع طبیعی زیرزمینی آن حوالی دارد.

اما هنر استخراج، استفاده و معرفی این منابع ذی‌قیمت، مستدر دشـــواری اســـت که روایتگری جنـــگ ایران و عراق، فقط بـــا اسعـــه صدر، دقت نظر و تـــلاش فراوان به آن دست خواهد یافت.

پرسش فراگیـری که در سال‌های پس از جنگ رواج یافت و گاهـــی در قالب یک سرزنش بی‌انصـــافی ظهور می‌کرد این بود که "اگر جنگ شود، نسل جوان امروز می‌تواند حماسه و ایثار نسل قبلی را بازآفرینی کند؟"

پرسش‌گران اما باید پیش‌اپیش از خود بپرسند که آیا زمینه‌های ظهور و بروز نسل جنگ را به یاد دارند؟ آیا می‌توانند همچون دهه اول انقلاب، بستر d مناسب را برای اینکه نسل جدید بتواند صحنه‌های عظیمی خلق کند، مهیا کنند؟

روایتگری جنگ ایران و عراق، در نیمه‌ی عمیقتر باید هدف خود را بر گونه‌هایی از گفتار و نوشتار

پرسش اساسی این است که در روایتگری جنگ ایران و عراق، ذهن و ضمیر ما تا چه میزان بر هدف درس‌آموزی آن تجربه عظیم متمرکز شده است؟

متمرکز کند که نسل جدید را با تجربه جنگ و به‌منظور کسب آمادگی آشنا کند. این مهم به دست نمی‌آید مگر با شناخت ریشه‌ها و زمینه‌های آنچه دفاع مقدس را خلق کرد و همچنین شناختِ مخاطب روایت، عینی نسل جدید.

انتقال ارزش‌ها؛ ذهنِ معناگرا و بیانِ مخاطب‌شناس

روایتگری جنگ ایران و عراق با انتقال ارزش‌ها به‌عنوان هدفی در ذیل حقیقت‌گرایی و درس‌آموزی، درپی بازآفرینی زمینه‌هایی است که به شکل‌گیری دفاع مقدس انجامید. این بازآفرینی، با انتقال مفاهیم و معانی به نسل‌های پس از جنگ حادث خواهد شد.

یکی از مفروضه‌های اصلی مطالعات جنگ ایران و عراق به‌ویژه در روایت‌گری دفاع مقدس، قابلیت انتقال ارزش‌های نسل‌های قبل به نسل‌های بعد است. درواقع، ارزش‌ها بنا بر ماهیتشان، ظرفیت جانی مستمر و فرانسلی دارند. ارزش‌ها زندگی و مرگ انسان را معنادار می‌کنند. پدیده‌ای که در تاریخ اتفاق می‌افتند، همچون جنگ تحمیلی، وقتی که در دستگاه سنجه ارزش‌ها قرار می‌گیرند، ماهیتی دگرگون می‌یابند. در موضوع روایت‌گری جنگ ایران و عراق، با فهم و تمرکز بر ارزش‌های جنگ است که خواهیم دانست چرا جنگ تحمیلی، دفاع "مقدس" شد؛ و چرا باید روایت‌گری را با هدفِ انتقال ارزش‌ها به نسل‌های بعد بازتعریف کرد؟

با پایان جنگ میان دو کشور، چه نیازی به تداومِ بخشِ غیرکالبدی جنگ تحمیلی ازطریق روایت است؟ به بیان دیگر، نقش‌بندی فهم معاصر ما از جنگ تحمیلی)در گذشته(در چیست‌وچوی چیست؟

برای یافتن پاسخ مناسب به این پرسش باید محاسبه کرد که کدام حوادث توانایی نمایندگی روح جمعی یک ملت را دارند؟ وقایعی که موقعیت و امکانِ بزرگی را به یک ملت عطا می‌کنند. برای پاسخ باید جنگ را فراتر از جزئیات حادثه ببینیم که دراین‌صورت، ارزش‌ها و انتقال آنها موضوعیت می‌یابند.

دراین‌میان، شناخت سازوکار روایت و اختصاصاً روایتِ جنگ ایران و عراق یاری می‌رساند که:

باید روایت‌گری را نوعی "هنر" بدانیم؛ هنری که ضمن بهره‌بردن از دانش "جزئیات حادثه در دیروز" و "ارتباط با مخاطب امروز"، آمیختگی عمیقی با نوعی شهود دارد؛ شهودی که موجب می‌شود از رهگذر روایت گذشته برای حال، نوعی خلق شکل بگیرد. دراین‌معنا، وقتی سری به گذشته می‌زنیم، وارد راه‌رو تاریخ می‌شویم و به دیروز رجوع می‌کنیم، درپی کشف امری ارزشمندیم که اگرچه جسمش تمام شده است، اما از قبل روحش همچنان می‌تواند ارتزاق کرد. روایت‌گری هنر کشف گنج موجود)و نه موهوم(برای نیازهای امروز و فردای زیست جمعی ماست.

اما چرا جنگ ظرفیت توجه‌ی ویژه را برای استمرار در حال و آینده دارد؟

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، طومار عظیمی از مصیبت‌هاست که شهادت و اسارت جوانان، ویرانی خانه‌ها و شهرها و احساس توسعه‌یافته ناامنی و بی‌پناهی در صدر آن است. می‌دانیم که این یک روی

سکه است؛ به این خاطر که مجموعه‌ای از این رنج‌ها می‌تواند به تلاشی ک زندگی جمعی منتهی شود. و اگر نشد؟

اگر مجموعه جراحات جنگ به متلاشی‌شدن و گسست جامعه نینجامید، بلکه به تقویم، تقویت و بازیابی روح جمعی منتهی شد، می‌توانیم از روی دیگر سکه سخن بگوییم: مجموعه‌ای از رشادت‌ها، ایستادگی‌ها، عقلانیت‌ها، ازخودگذشتگی‌ها، تلاش‌ها و معنویت‌ها که نتیجه‌ای رهگشا و بن‌بست‌شکن داشتند. این نتیجه محدود به پیروزی در جنگ و اخراج متجاوز از سرزمین نیست؛ نتیجه پیروزمندانه واقعی در اینجا بود که شکل‌گیری اتحاد دیرباب که از مکتبی نوین و تاریخی کهن بر آمده بود و مهبستگی ملی مبتنی‌بر خیر عمومی را سامان داد، درنهایت سرمایه‌ای عظیم را برای آینده این مرز و بوم ذخیره کرد.

به همین منظور، روایتگری جنگ ایران و عراق با انتقال ارزش‌ها به‌عنوان هدفی در ذیل حقیقت‌گرایی و درس‌آموزی، دربی بازآفرینی زمینه‌هایی است که به شکل‌گیری دفاع مقدس انجامید. این بازآفرینی، با انتقال مفاهیم و معانی به نسل‌های پس از جنگ حادث خواهد شد. به بیان دیگر، راوی جنگ ایران و عراق در هر موقعیتی که قرار دارد، باید از ذهنی معناشناس)از دیروز(و زبانی مخاطب‌شناس)برای امروز و فردا(بهره برد.

آنچه به‌طور مختصر اشاره شد، درآمدی بر هدف‌شناسی روایتگری دفاع مقدس بود. درواقع به نظر می‌رسد با گذشت 28 سال از پایان صحنه عظیم جنگ ایران و عراق، ضروری است که ارزیابی عمیق و دقیقی از شیوه‌های روایتگری در این سال‌ها انجام دهیم. از سوی دیگر، با بهره‌بردن از دانش‌های علوم انسانی باید راه‌های تعمیق و انتخابش روایت را فهم کرده، مدل مطلوب روایتگری جنگ ایران و عراق را ترسیم کنیم.

اصول روایتگری جنگ، رویشه‌های روایتگری و همچنین آسیب‌شناسی این موضوع می‌تواند از موضوعات اساسی برای نیل به روایتگری مطلوب دفاع مقدس باشد.

بااین‌حال، اصل اساسی و خدشه‌ناپذیر، ایستادگی درمقابل نسیان و کم‌رنگ‌سازی حماسه‌ای است که مردم ایران با ایمان، اندیشه، مقاومت، ازخودگذشتگی و عظمت خویش سرودند. به همین خاطر، راویان حقیقی جنگ ایران و عراق، همه مردم این سرزمین‌اند؛ از پیرزنی در روستای دور از صحنه جنگ گرفته، تا رزمنده‌ای که در فاصله چند متری دشمن صحنه نبرد را شناسایی می‌کند. هرکس که دل در گرو آرمان‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس دارد، می‌تواند از منظر خود جنگ را روایت کند؛ جنگی که دفاع بود و دفاعی که مقدس است.